

خلاصه بحث

در مورد استحباب نماز غفيله، شهرت يا اجماعی نداريم، ولی جماعتی از فقهاء به آن فتوا داده اند، و روايات نیز دلالت بر این نماز دارند.

تعبیری که در برخی از روايات آمده است، تعبیر «ساعة الغفلة» و «رکعتی الغفلة» است که مرحوم شهید این تعابیر را اشاره به نمازی غیر از نماز غفيله می دانند، ولی به نظر ما این تعابیر اشاره به همان نماز غفيله است. و صاحب جواهر نیز با ذکر پنج وجه، کلام شهید را رد کرده و اتحاد این تعابیر با نماز غفيله را ثابت کرده اند.

نماز غفيله

امام راحل فرموده اند:

«الأقوى ثبوت استحباب صلاة الغفيلة، وليست من الرواتب، وهي ركعتان بين صلاة المغرب وسقوط الشفق الغربي على الأقوى، يقرأ في الأولى بعد الحمد «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» وفي الثانية بعد الحمد «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَشْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ». فإذا فرغ رفع يديه و قال: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا». فيدعو بما أراد ثم قال: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيَّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي» وَ سَأَلَ اللَّهُ حَاجَتَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا سَأَلَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۱.

نماز غفيله جزو نوافل یومیه نیست. و دو رکعت است که بعد از نماز مغرب تا هنگام ذهاب حمرة مغریه خوانده می شود.

البته تعبیر «سقوط الشفق الغربي» یا همان ذهاب حمرة مغریه که در متن تحریر ذکر شده است در هیچ روایتی نیامده است.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۴

صاحب جواهر در مورد این نماز چنین فرموده است:

«و منها ما ذكره غير واحد من الأصحاب الركعتان المسماتان برکعتي الغفلة اللتان تصليان بين المغرب والعشاء».^۲

عادت صاحب جواهر بر این است که اگر در مساله ای شهرت یا اجماع وجود داشته باشد ایشان متعرض می شوند، اما در اینجا حرفی از شهرت و اجماع نزده اند. و فقط تعبیر «غیر واحد» را بکار برده اند که این تعبیر هم ظهور در شهرت ندارد.

فلذا صاحب حدائق هم اصلاً متعرض کلام اصحاب نشده و سراغ اخبار رفته است.

تعبیر ایشان این است:

«قد تكاثرت الاخبار باستحباب صلاة ركعتين بين المغرب والعشاء و تسمى ركعتي الغفلة و ركعتي ساعة الغفلة».^۳

بنابراین اجماع یا حتی شهرتی در این مساله نداریم ولی به هر حال جماعتی از اصحاب متعرض این نماز شده اند و فتوا به استحباب آن داده اند.

عمده در مقام نصوص است.

روایتی از هشام نقل شده که کاملاً بر نماز غفيله منطبق است و حتی دعای مخصوص آن نیز ذکر شده است. همچنین، یک موثق از سماعه داریم که دلالتی روشن و بی ابهام بر این نماز دارد و سند آن نیز معتبر است. و به طور کلی، چندین روایت در این موضوع وارد شده که از نظر سند و دلالت هیچگونه خدشه‌ای ندارند.

البته شهید فرموده است که تعبیر «ساعة الغفلة» یا «ركعتي الغفلة» که در این روایات آمده است با «صلاة الغفلة» متفاوت است، ولی این حرف به نظر ما درست نیست. چون نصوص ظهور واضح دارند که منظور همان غفيله است. در عبارت صاحب حدائق نیز آمده بود که ایشان «ركعتي ساعة الغفلة» و «ركعتي الغفلة» را نامهای دیگری برای نماز غفيله دانستند. و صاحب جواهر نیز کلامی دارد و با پنج دلیل کلام شهید را رد کرده است که در ادامه نقل خواهیم کرد.

^۲ جواهر الکلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۳۸.

^۳ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۳۸.

روایت هشام بن سالم

و فِي الْمِصْبَاحِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى بَيْنَ الْعِشَاءِ بَيْنَ رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ ذَا النُّونِ إِذَا ذَهَبَ مُغَاضِبًا، إِلَى قَوْلِهِ: وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ قَوْلَهُ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ رَفَعَ يَدَيْهِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا، وَ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي، وَ سَأَلَ اللَّهُ حَاجَتَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ»^۴

تعبیری که در این روایت در مورد غفيله آمده است «بین العشائین» است، ولی تعبیری که در سایر روایات در مورد نافله مغرب ذکر شده است عباراتی همچون «بعد المغرب» و «عقیب المغرب» ذکر شده است، بنابراین از همین تعبیر هم می توان فهمید که نافله مغرب و غفيله با هم تفاوت دارند.

البته سند این روایت ضعیف است، و لفظ غفيله هم در آن نیامده است، ولی آیاتی که در این روایت ذکر شده و ذکر قنوتی که بیان شده است کاملاً منطبق بر نماز غفيله است.

حتی شهید هم که تعبیر «رکعتی الغفلة» و «ساعة الغفلة» را با «صلاة الغفيلة» متفاوت دانسته است، به دلالت این روایت خدشه ای وارد ندانسته است.

بنابراین از نظر دلالت مشکلی ندارد، منتهی سندش صحیح نیست و نمی توان به آن استدلال کرد، و شهرتی هم نداریم که جبران ضعف سند کنیم. و تنها راهی که برای استدلال به این روایت باقی می ماند تمسک به آن از باب تسامح در ادله سنن است.

مشهور در قاعده تسامح قائل به ثبوت استحباب هستند، ولی به نظر ما فقط ثواب ثابت می شود و استحباب را نمی توان ثابت کرد.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۲۴۹، أبواب بقية الصلوات المندوبة، باب ۲۰، ح ۲، ط الإسلامية^۴

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۴

اما با قطع نظر از مساله سند، تعبیری که در این روایت و سایر روایات در مورد نماز غفيله بکار رفته است تعبیر «بین العشاءین» است، ولی تعبیری که در مورد نافله مغرب بکار رفته است «بعد المغرب» است، و جمع بین این روایات این می شود که بعد از نماز مغرب، ابتدا باید نافله مغرب خوانده شود، و پس از آن نوبت به غفيله می رسد.

روایت هشام به نقل سید بن طاووس

سید بن طاووس همین روایت هشام را که نقل کردیم، نقل فرموده و زیاده ای در ذیل آن نیز آورده است و آن این است:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَا تَتْرَكُوا رَكَعَتِي الْغَفْلَةَ وَهُمَا بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ»^۵

این جمله را دو جور می توان تفسیر کرد: یکی اینکه اشاره به یک نماز مستحبی دیگر باشد، و دیگری اینکه اشاره به همین نمازی باشد که در صدر روایت ذکر شده بود، که به نظر ما این جمله ظهور واضح در همین احتمال دوم دارد. یعنی امام صادق علیه السلام پس از آنکه اصل نماز غفيله را بیان فرمودند، روایت نبوی را نیز به عنوان شاهد برای همان مطلب خودشان بیان فرموده اند. بنابراین مراد از «رکعتی الغفلة» همان نماز غفيله است.

موثقه سماعه

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَنَفَّلُوا فِي سَاعَةِ الْغَفْلَةِ وَلَوْ بِرَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا تُورِثَانِ دَارَ الْكَرَامَةِ».

قَالَ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ «دَارَ السَّلَامِ وَهِيَ الْجَنَّةُ - وَ سَاعَةُ الْغَفْلَةِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ».

وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ.^۶

^۵ بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ۸۴، ص ۵۹۷

^۶ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۲۴۹، أبواب بقية الصلوات المندوبة، باب ۲۰، ح ۱، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۴

شیخ صدوق این خبر را در من لا یحضر به شکل مرسل آورده، ولی در علل با سند نقل کرده است که صاحب وسائل نیز این سند را در ذیل همین روایت آورده است و همه افراد این سند توثیق دارند و برخی امامی و برخی غیر امامی هستند، بنابراین، روایت بر اساس نقل علل، موثق است.

از نظر دلالت هم دلالت بر استحباب دو رکعت نماز به صورت خفیف دارد، یعنی نیاز نیست که سوره های طولانی در آن خوانده شود، بلکه یک آیه هم که خوانده شود کفایت می کند، و این می تواند اشاره به همان آیاتی باشد که در نماز غفیله خوانده می شود.

در زیاده ای که در برخی کتب برای این روایت ذکر شده است و صاحب وسائل نیز آنرا نقل کرده است، تفسیر ساعت غفلت بیان گردیده که مراد از آن، بین نماز مغرب و عشاء است.

این ساعت را ساعت غفلت نامگذاری کرده اند چون انسان معمولاً در پایان روز به فکر حساب و کتاب روزی که گذشت می افتد و در مورد حساب های اقتصادی خودش فکر می کند و این خودش موجب غفلت می شود. فلذا شارع در بین نماز مغرب و عشاء، علاوه بر نافله مغرب، این نماز را هم مقرر فرموده تا وقت انسان را اینگونه پر کند و جلوی آن غفلت را بگیرد.

کلام شهید

تعبیری که در موثق سماعه آمده بود «ساعة الغفلة» بود، و تعبیری که در ذیل روایت هشام ذکر شده بود «رکعتی الغفلة» بود که به نظر ما هر دو، اشاره به همان نماز غفیله هستند. اما شهید فرموده است که این تعابیر با نماز غفیله فرق دارند.

به نظر ما تعبیری که روایت هشام آمده بود را اصلاً نمی توان به غیر نماز غفیله معنا کرد، چون «فإنّ» که در کلام حضرت آمده بود به منزله تعلیل است، یعنی حضرت برای کلام خودشان که استحباب نماز غفیله بود به کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استناد کرده اند، بنابراین معنایی جز نماز غفیله نمی تواند داشته باشد.

اگر مراد از این «رکعتی الغفلة» نمازی غیر از غفیله باشد، چطور حضرت این را به عنوان تعلیل برای غفیله ذکر کرده اند؟

بنابراین روشن است که مراد از ذیل روایت هشام، همان نماز غفیله است.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۴

اما در مورد موثقہ سماعه، ممکن است کسی حرف شهید را بگوید، ولی صاحب جواهر با پنج دلیل، کلام ایشان را رد کرده است.

کلام صاحب جواهر در رد کلام شهید

صاحب جواهر فرموده است:

«و فيه أولاً أن ظاهر «لو» الوصلية في خبر السكوني عدم اعتبار الخفة شرطاً كي ينافي اعتبار قراءة الآية، بل أقصاه الاذن في تركهما، بل ظاهره انه الفرد الأدنى. و ثانياً أنه قد يراد بالوحدة في تفسير الخفة عدم قراءة سورة أخرى لا مطلق غير الحمد و لو آية. و ثالثاً أن الزيادة التي سمعتها في الفلاح كالصریحة في الاتحاد، ضرورة بعد احتمال إرادة النهي عن ترك ركعتي الغفيلة في حد ذاتهما، لا أن المراد الإشارة إلى الركعتين السابقتين. و رابعاً أنه قد يكون من ثمراتهما قضاء الحاجة و إن استجبا للوقت أيضاً. و خامساً أنه لا دلالة في النصوص على التعدد، إذ أقصى الحاصل منها الأمر بركعتين في ساعة الغفلة، و الأمر بركعتين ما بين المغرب و العشاء يقرأ فيهما كذا، و الغرض أن ما بينهما ساعة الغفلة، فأصالة البراءة و عدم التعدد تقضي باتحاد المراد منهما، و لا ظهور في اللفظ كي يقطعها، بل قد عرفت الظهور بخلافه، إذ الظهور انما يسلم لو كان الأمران من أمر واحد، أما مع تعدده و احتمال إرادة الثاني منهما إبلاغ ما أبلغه الأول منهما فلا»^۷.

وجه اول صاحب جواهر این است که تعبیر «لو» که در روایت آمده بود اشاره دارد که خفیف خواندن این نماز جایز است، نه اینکه شرط باشد.

شهید که نماز غفیله را با این دو رکعت خفیف جدا می داند، می گوید که در یکی از این نمازها خفت شرط شده و در دیگری که دستور العمل نماز غفیله را بیان کرده است شرط نشده است، و صاحب جواهر پاسخ می دهد که خفت شرط نشده بلکه جایز شمرده شده است. بنابراین هر دو تعبیر می توانند اشاره به یک نماز باشند.

جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۷۳۹

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۴

دومین وجه صاحب جواهر در رد شهید این است که مراد از خفت این نیست که فقط حمد بخوانید و هیچ آیه یا سوره ای پس از آن نخوانید، بلکه مراد این است که سوره کاملی را پس از حمد نخوانید، بنابراین منافاتی با نماز غفیله ندارد، چون در غفیله هم سوره کاملی پس از حمد خوانده نمی شود و فقط آن آیات مخصوص خوانده می شود.

سومین وجه این است که زیاده ای که سید بن طاووس در فلاح السائل ذکر کرد که همان روایت نبوی بود که فرموده بود: «لا تتركوا ركعتي الغفلة» صریح در این است که مراد از این دو رکعت، همان نماز غفیله است که در صدر روایت ذکر شده بود، چون بعید است که در صدر روایت بگوید نماز غفیله بخوانید، و در ذیل بگوید نماز غفلت را ترک نکنید و مراد از این نماز غفلت چیزی غیر از نماز غفیله باشد!

چهارمین وجه این است که در دستورالعملی که برای نماز غفیله ذکر شده است دعا برای قضای حاجت وجود دارد، ولی در نمازی که برای ساعت غفلت بیان شده است چنین مطلبی ذکر نشده و همین ممکن است موجب بشود که انسان گمان کند که اینها دو نماز مجزا هستند، ولی صاحب جواهر می فرماید که این هم صحیح نیست، چون امکان دارد که یک نماز از دو جهت مستحب باشد، یکی به خاطر خصوصیت وقت غفلت، و دیگری برای حاجت گرفتن، بنابراین باز هم می توان گفت که این دو تعبیر اشاره به یک نماز دارند.

و پنجمین وجه هم این است که تعدد از نصوص فهمیده نمی شود، چون آنچه در نصوص ذکر شده است این است که بین نماز مغرب و عشاء یعنی در ساعت غفلت دو رکعت نماز بخوانید، و روایت دیگر هم گفته شده که بین نماز مغرب و عشاء نمازی بخوانید و این آیات و این دعا را در آن انجام بدهید، که این دو دسته روایت، منطبق بر یکدیگر هستند و اشاره به همان نماز غفیله دارند. از طرفی هم اصل برائت از استحباب زائد، و همچنین اصل عدم تعدد را داریم و نتیجه نهایی این می شود که همه این نصوص اشاره به دو رکعت دارند که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود که همان نماز غفیله است. البته لفظ غفیله در نصوص نیامده و در کلام فقهاء آمده است.